

آسیب شناسی علوم انسانی غرب با توجه به گام دوم انقلاب

مینا عباسی اقدم^۱

چکیده

سیر تحولات تاریخی جوامع بشری در مناطق مختلف جهان باعث شد که جوامع غربی پیشقدم پیشرفت علوم در همه زمینه ها قلمداد گردد و علوم انسانی در غرب متناسب با فرهنگ و مسایل و مشکلات خاص آن جوامع شکل گرفت که مبتنی بر مادی گرایی، سودگرایی و لذت گرایی بدون در نظر گرفتن بُعد معنوی و اخلاقی انسان باشد. در این راستا هدف از این مقاله بررسی آسیب شناسی علوم انسانی غرب و تطبیق آن با یکی از هفت توصیه های رهبر انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب با عنوان معنویت و اخلاق می باشد. از آنجایی که علوم انسانی تعیین کننده فرهنگ جامعه است باید متناسب با فرهنگ و ارزش های جامعه شکل بگیرد و با تقلید محض از نظریه های غربی نمی توان بر مسائل و مشکلات کشور فائق آمد. در این تحقیق بعد از بررسی موضوع که از روش اسنادی و کتابخانه ای استفاده شده است این نتیجه حاصل شد که با در نظر گرفتن هم بعد مادی و هم بعد معنوی انسان و همچنین فرهنگ بومی هر جامعه می توان در مسیر توسعه توأمان بارفاه و آرامش قرار گرفت.

کلید واژه ها: اخلاق، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، علوم انسانی غرب، معنویت.

^۱ طلبه سطح ۲، حوزه علمیه خواهران صادقیه، تبریز.

مقدمه

علوم انسانی که در جهان امروزی به عنوان علوم اجتماعی شناخته می‌شود، با گونه‌های دیگر دانش بشری متفاوت است زیرا محصول تحول نگاه و رویکردی است که نسبت به «دین» و «علم» در دوره روشنگری مغرب‌زمین در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم شکل گرفت. بطلان نظریات برخاسته از کلیسای قرون وسطایی که به تدریج توسط مطالعات و آزمایش‌های علمی تجربی اثبات می‌شد، روی هم رفته منجر به کم‌فروغ شدن نهاد دین در مغرب زمین شد. نواندیشان این دوره از تاریخ مغرب‌زمین توصیه می‌کردند که دیگر گوش سپردن به فرامین کلیسا (که نماد و متولی دین بود) به پایان رسیده است و اکنون هنگام به‌کارگیری عقل و فهم انسانی است. «علم مدرن» نیز در این دوره با اتکا به مشاهده و روش تجربی و با اعتقاد به اینکه دین منبع خوبی برای فهم حقایق نیست شکل گرفت. اما «علوم اجتماعی» یا همان «علوم انسانی» دانش تبیین، تفسیر، اصلاح یا تغییر کنش‌های انسانی است و در اداره و مدیریت جوامع بشری نقش اساسی داشته و بر سبک زندگی افراد جامعه اثرگذاری مستقیم دارد. با ظهور انقلاب اسلامی و غور در کتب و منابع آموزشی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شد، مسئولان جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیدند که بازنگری و تحول در علوم انسانی عرضه شده در محیط‌های آکادمیک امری ضروری است، زیرا آن علوم در خاستگاه و جهان فکری غرب نگاشته شده و حکومتی که داعیه‌دار تفکر اسلامی در جهان است باید منابع خود را داشته باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یکی از مهمترین داعیه داران این حرکت، بارها بر لزوم تحول اساسی در علوم انسانی تاکید کردند و در سخنرانی‌های مختلف ضمن انتقاد از روحیه ترجمه‌گرایی بر ضرورت تحقیق و نوآوری در این علوم به سبب غنای فرهنگ اسلامی، ایرانی صحه گذاشتند.¹ مقام معظم رهبری در زمینه علوم انسانی دیدگاه‌هایی خاص دارند که بر اساس آن معتقدند که این علوم بر خلاف برخی علوم دقیقه و طبیعی مانند ریاضی و فیزیک و امثال اینها، متأثر از مبانی فلسفی و اعتقادی هستند که بر آن بنیان نهاده شده اند و به همین دلیل علوم انسانی رایج در غرب، علوم انسانی مبتنی بر فلسفه اومانیستی و ماتریالیستی بوده و به همین دلیل نباید در کشور ما ترویج شود بلکه باید علوم انسانی متناسب با فضای فکری کشور طراحی و تدوین شود. به عنوان مثال ایشان در زمینه علوم انسانی رایج معتقدند: «بسیاری از مباحث علوم انسانی مبتنی بر فلسفه‌هائی

¹ . <https://hawzah.net/fa/Discussion/View/56705> .

هستند که مبنایش مادیگری است، مبنایش حیوان انگاشتن انسان است، عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است. خوب، این علوم انسانی را ترجمه کنیم، آنچه را که غربی‌ها گفتند و نوشتند، عیناً ما همان را بیاوریم به جوان خودمان تعلیم بدهیم، در واقع شکاکیت و تردید و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزشهای خودمان را در قالبهای درسی به جوانها منتقل کنیم؛ این چیز خیلی مطلوبی نیست. این از جمله‌ی چیزهایی است که بایستی مورد توجه قرار بگیرد¹ بنابراین از ویژگی‌های اصلی علوم غربی مادی‌گرایی ولذت‌گرایی است و انتقاداتی که حتی دانشمندان غربی به این جوامع وارد می‌کنند بحث در نظر نگرفتن بعد معنوی انسان می‌باشد که مسائل و مشکلات عدیده‌ای برای انسانها به بار آورده است. بدین ترتیب باتوجه به اهمیت ویژه معنویت و اخلاق، مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به خصوص به جوانان توصیه می‌کند که به معنویت و اخلاق توجه نموده و در تمامی ابعاد زندگی خود از آن بهره‌مند شوند معنویت نه تنها در اسلام و ایران بلکه در جوامع غربی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و اندیشمندان علوم انسانی غربی به این مقوله توجه نشان داده و تحقیقاتی نموده‌اند. لذا در این تحقیق ابتدا در پی دستابی به مفهومی از معنویت و اخلاق از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی و سپس به بررسی نظریات جامعه‌شناسان غربی پرداخته شده است.

بدلیل نو بودن موضوع مطرح شده کتب و مقالات کمتری در این خصوص وجود دارد. اما مقالاتی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند از قرار ذیل هستند.

یافته‌های این تحقیق «نقد و بررسی مبانی علوم انسانی غربی از منظر قرآن کریم» نشان می‌دهد که علوم انسانی غرب در هستی‌شناسی معتقد است که دین در حوزه اجتماع هیچ حرفی برای گفتند ندارد، در حوزه انسان‌شناسی انسان محوری در برابر خدا محوری و تک‌ساحتی بودن انسان را مطرح می‌کنند و در حوزه معرفت‌شناسی، راه معرفت را منحصر به حس و تجربه می‌دانند.

مقاله «مفهوم‌شناسی معنویت از دیدگاه اندیشمندان تربیتی غربی و مسلمان» در این پژوهش دیدگاه‌های اندیشمندان مزبور، بر اساس نوع رابطه بین معنویت و دین، تحلیل و دیدگاه‌های آنها ذیل سه جهان‌بینی دینی، فارغ از دین، و غیردینی تبیین گردیده است. سپس برای تبیین دقیق‌تر مفهوم "معنویت"، مبانی فلسفی دیدگاه‌های اندیشمندان

¹ <https://www.porseman.com/article>.

مربور بررسی گردید. در مرحله بعد، مفهوم «معنویت» در اسلام با این مفهوم در غرب مقایسه شد. بخشی از یافته ها عبارت است از: مفهوم «معنویت» در اسلام، دارای مابازای بیرونی قابل شناسایی است. بنابراین، معنا امری صرفاً ساختنی نیست، بلکه یافتنی نیز هست، و حال آنکه در برخی از دیدگاه های غربی، مرجع امرمعنوی دست ساز خود انسان و بنابراین، «معنا» صرفاً ساختنی است. برخی از دیدگاه های غربی به وجود تکثر در مرجع امر معنوی قایلند، اما دیدگاه اسلامی به وحدت معتقد است. معنویت از منظر اسلام، یک مفهوم کل گراست که همه ابعاد زندگی کودک را دربر می گیرد و چهار بعد ارتباط فرد با خود، خلق، محیط و خداوند را شامل می شود. ولی در برخی از دیدگاه های غربی، به ابعاد ارتباط با خود، دیگران و محیط محدود می شود.

در پایان نامه «مبانی قرآنی علوم انسانی با محوریت دیدگاه امام خامنه ای» مقام معظم رهبری با بیان چهار کاستی و آسیب های علوم انسانی بشری، و نیازهای جدید بشر به لزوم بهره گیری از منابع و حیاتی در تدوین علوم انسانی تاکید دارد. بشری بودن مبانی علوم انسانی در غرب، ترجمه و ورود علوم انسانی غربی به کشور های اسلامی، از جمله آسیب های علوم انسانی رایج از منظر امام خامنه ای است. صحبت شده است و همان طور که از ذکر این سه منبع مشخص است مقاله ای با عنوان مقاله حاضر در هیچ کتب و مقاله ای یافت نشده و تماماً تحلیل دانشجو می باشد.

۱. علوم انسانی غربی

علوم انسانی در مقابل علوم طبیعی قرار دارد. در قدیم علوم انسانی نسبتاً با علوم غیر طبیعی مترادف بود که تحت عنوان حکمت عملی طبقه بندی شده بود. علوم انسانی در هر کشوری از جایگاه ممتاز و ویژه ای برخوردار است تا جایی که مسیر و مقصد حرکت جامعه را تعیین می کند؛ زیرا مهم ترین رسالت علوم انسانی سیاست گذاری کلان و تعیین نقشه راه در جامعه است. به همین دلیل گفته شده است: "اگر علوم انسانی یک کشور با اختلال یا تعطیلی مواجه شود طرح کلان آن کشور یا تمدن به اختلال و تعطیلی دچار می شود."^۱ علوم انسانی اسلامی و غربی دارای تفاوت هایی می باشند و راه و روش کاملاً متمایز از هم دارند بنابراین

^۱ . میرزا پور ارمکی، «اهمیت و ضرورت تحول علوم انسانی و تولید علم دینی و راهکارهای تحقق آن»، ص

نظریات غربی و اسلامی و تضاد و تقابل با هم قرار دارند. متأسفانه امروزه یکی از مشکلات اساسی کشورهای اسلامی به کارگیری نظریات غربی در علوم انسانی است، این درحالی است که پیروی محض از نظریات غربی در حوزه علوم انسانی نمی تواند پاسخگوی نیازهای جامعه اسلامی به این علوم باشد؛ زیرا علوم انسانی رایج غربی کاملاً مبتنی بر مبانی اومانیسم و سکولاریسم بوده که آثار و نتایج آن قابل پذیرش اسلام نمی باشد؛ لذا "جامعه و امت اسلامی به علوم انسانی نیاز دارد که با تکیه بر منابع متقن و سعادت بخش بتواند در راه رسیدن به تعالی و رشد انسان گام بردارد".^۱ منشا علوم انسانی رایج از غرب می باشد و محصول ۴ قرن اخیر تمدن غربی است که از رنسانس به بعد، کم و بیش آغاز شده است. در واقع این علوم، محصول دورانی است که دنیای غرب با دین وداع کرده و خواسته است با عقل خویش جامعه و جهان را اداره کند. در مشرق زمین و جوامع اسلامی مسائلی را که علوم انسانی غربی عهده دار پاسخ به آن هاست از دین می پرسند، یعنی در یک فضای مشخص و نسبتاً محدود آسودگی خیال داشتند و با استفاده از عالمان دین، حلال و حرام، جایز و غیر جایز و مشکلات اصلی شان را در مسائل اجتماعی و انسانی، با استناد به مبانی دینی، شرعی، فقهی و عرفانی حل می کردند؛ ولی در غرب، اتکا به دین نفی شد و بشر کوشید با عقل خویش راه و رسم زندگی را یاد بگیرد. بر این اساس بود که به تدریج علوم انسانی جدید در غرب به وجود آمد و با توسعه مکتب های فلسفه جدید، فلسفه ای برای علوم انسانی ایجاد و تجربه ها روی هم انباشته شد.^۲ مبانی معرفتی و فلسفی علوم انسانی رایج غربی برگرفته از مبانی هستی شناسی، انسان شناسی و معرفت شناسی حاکم بر مکتب سکولاریسم و اومانیسم است تا جای که بدون آشنایی با این مبانی شناخت و فهم درست از علوم انسانی رایج غربی میسر نیست. بالطبع نقد و بررسی آن نیز ممکن نخواهد بود، بعد از شناخت این مبانی است که زمینه نقد و بررسی فراهم شده و می توانیم با آموزه ها و معارف غنی دینی و اسلامی که برگرفته از قرآن کریم است آن ها را نقد کرده و مکتبی را حاکم کنیم که مبنایش بر خدا محوری است نه انسان محوری. لذا آنچه در پی می آید مهم ترین مبانی معرفتی و فلسفی علوم انسانی غربی است.

^۱ . باقری و کاظمی نجف آبادی، تبیین الگوی رهبری قوم بنی اسرائیل به دست حضرت موسی (ع)، ش ۲، ۱۶۵.

^۲ . حداد، مبانی فلسفه علوم انسانی، ص ۱۳۲.

که بخش اصیل و گسترده تر وجود او را تشکیل می دهد. لب و حقیقت بعد معنوی انسان را نیز باید در سرشت ربوبی او جست. بنابراین، انسان علاوه بر ساحت جسمانی، از ساحتی نفسانی نیز برخوردار است. این دو ساحت در طول یکدیگر است و در تناظر با عوالم سه گانه هستی قرار دارند. نفس دارای سلسله مراتب طولی است که در ارتباط علی با یکدیگرند. از سوی دیگر، سلسله علل وجودی نفس به خدا بازمی گردد. ماوراء الطبیعه نیز شامل عالم غیب است که خود شامل عالم مثال، عالم عقل و عالم ربوبی است و در این بین، عالم ربوبی در رأس همه عوالم هستی قرار دارد. سرشت انسان برخوردار از معرفت و میلی ربوبی است. انسان با عمل بر اساس معرفت ها و میل هایش در حال تعین بخشیدن به بعد نفسانی خویش است.^۱

شهید مطهری نیز در بررسی مفهوم «آزادی معنوی» و تمایز آن از «آزادی اجتماعی»، اظهار می دارد:

«در عصر ما، یک جنایت بزرگ به صورت فلسفه و سیستم های فلسفی مطرح شده است و آن این است که اساساً درباره انسان، شخصیت انسانی و شرافت معنوی انسان هیچ بحث نمی کنند؛ (تَفَخَّتْ فیه من روحی) فراموش شده است».^۲

وی با ابتدا بر دیدگاه قرآن، معنویت را شناخت خدا و ماورای طبیعت و ایمان به آن می داند و انسان را شایسته ترین آیت و دروازه برای پرداختن به معنویت و ایمان به غیب و ملکوت معرفی می نماید. او نگرستن در آفاق و انفس را شیوه هایی می داند که قرآن کریم برای ایمان به غیب و ملکوت پیشنهاد می کند.^۳

^۱ . اشعری و دیگران، بررسی مفهوم ، اصول و روش های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبائی، ص ۹۳ - ۸۳.

^۲ . مطهری، مجموعه آثار، ج ۳۲، ص ۱۶۴.

^۳ . همان، ص ۱۷۶.

نتیجه‌گیری

علوم انسانی در هر جامعه نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. از آنجا که علوم انسانی تعیین‌کننده حرکت جامعه است باید متناسب با فرهنگ و ارزش‌های جامعه شکل بگیرد. مقام معظم رهبری با ذکر اهمیت علوم انسانی در تربیت جامعه‌ای اسلامی و شایسته در جهت تبیین مسیر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب قدم برداشتند تا بار دیگر یادآوری نمایند که انقلاب‌ها وابسته به علوم انسانی قوی است. در این بیانیه به هفت گام مهم که در طول ۴۰ سال پیروزی انقلاب نیازمند تاکید شده‌اند بیان نموده است. در این مقاله به بررسی گام مهم و حیاتی معنویت و اخلاق پرداخته شد. هر چند که روح و کالبد بیانیه دوم انقلاب معنویت‌گرا بوده و اساساً جهت بیان که حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور است مبنایی معنوی و معنویت افزا دارد در دو بخش از بیانیه اشاره مستقیم به موضع معنویت و اخلاق در انقلاب اسلامی شده است..

در دیدگاه اسلام، معنویت امری ذاتی در انسان و مرجع آن، خداوند است. برخلاف دیدگاه راستر و دیدگاه غیردینی سکولار، مرجع امر معنوی دارای مابازای واقعی است؛ خداوندی که دارای صفاتی است و می‌توان آنها را شناخت. بنابراین، برخلاف برخی دیدگاه‌ها، مانند دیدگاه کل‌گرایان، امر معنوی قابل شناسایی است. فعالیت‌ها و ارتباطات انسان زمانی معنوی است که در ارتباط با خداوند و برای قرب به او باشد. بنابراین، معنا هم ساختنی است و هم کشف‌کردنی. همچنین برخلاف سایر دیدگاه‌ها، معنویت از دیدگاه اسلام، همه ابعاد وجود انسان - حتی بعد جسمی - را تعالی می‌دهد و صرفاً به پرورش روح محدود نمی‌شود. جلوه آن تحقق حیات پاک طیبیه در همه شئون زندگی است.

نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که مفهوم «معنویت» به شناخت خداوند و ارتباط با او اشاره دارد. مهم‌ترین تفاوت مفهوم «معنویت» در اسلام و غرب عبارت است از: مرجع معنویت بر اساس دیدگاه اسلامی، امری است دارای واقعیت بیرونی و بنابراین، ساخته ذهن بشر نیست. این مرجع معنوی دارای صفات و ویژگی‌هایی است که می‌توان آنها را شناخت. معنویت همه شئون زندگی - حتی بعد جسمی - را دربر می‌گیرد. در اینجا جست‌وجوی معنا امری صرفاً ساختنی نیست، بلکه اکتشافی نیز هست. همچنین می‌توان گفت: پنج جنبه مشترک در این جهان بینی‌ها وجود دارد. آنها عبارتند از: ۱ معنویت

نوعی جست جوی عشق، صلح، خرد، شگفتی و غیره است ۲- معنویت فرایندی ارتباطی است؛ ۲- وجوی معناست؛ ۳- معنویت فرایندی تعالی بخش است؛ ۴. معنویت دارای جلوه هایی از ۵- معنویت مفهومی کل گراست ؛ بر اساس تعریف ما از کلیت، می توان ادعا کرد که همه اندیشمندان مدنظر دارای رویکردی کل گرا به مفهوم معنویت هستند. اما مشکل اصلی علوم انسانی غربی این است که فقط بعد مادی را در نظر می گیرند طی دوره های مختلف عالمان غربی با نظریه پردازی های مناسب سعی در گره گشایی از مسائل مبتلا به جامعه خود نمودند که مبتنی بر جهان بینی مادی و لیبرالیستی اند. تمام مبانی لیبرالیسم، یعنی الحاد عملی، اومانیزم، پلورالیسم، سکولاریسم، لذت گرایی و سودگرایی در چنین علومی به عنوان اصل موضوعی پذیرفته شده است. اما بعد از مدت مدیدی این نوع نگرش مسائل و مشکلات عدیده ای برای انسانها بوجود آورد . نظام خانوادگی از هم پاشید، آسیب های اجتماعی و انحرافات اجتماعی بیشتر شد ، مصرف گرایی و نیازهای کاذب بوجود آمد همچنین این نوع نگرش باعث گرم شدن کره زمین ، آلودگی هوا و نابودی محیط زیست محیط شد که تهدیدی برای زندگی کل انسانهاست همه این مسائل بخاطر این است که در این الگو ساحت معنوی و اخلاقی انسان نادیده شده است و هر انسانی برای بدست آوردن سود دست به هرکاری می زند و حقوق دیگران برای وی بی اهمیت می شود. اما دین در عین تاکید به کار و تلاش به معنویت و اخلاق هم تاکید می کند و انسانها از این طریق به آرامش و رفاه می رسند.

فهرست منابع و مآخذ

الف) کتب فارسی

۱. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجد، مترجم: رضا مهیار، تهران، اسلامی، ۱۳۷۶.
۲. فروند، ژولین، نظریه‌های مربوط به علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۳. مارکوزه، هربرت، انسان تک ساختی، ترجمه محسن مویدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۴. شهید مطهری، مرتضی، شناخت در قرآن، مشهد: انتشارات سپاه، ۱۳۷۱.
۵. مجتبی‌وی، سید جلال الدین، فلسفه در ایران، مجموعه مقالات فلسفی در ایران، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۶۳.

ب) مقالات و فصلنامه‌ها

۶. آزاد ارمکی، تقی، «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا بن خلدون»، تهران: سروش، ۱۳۷۶.
۷. افتخاری، اصغر، «ارزش و دانش پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم»، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷.
۸. اعضای کارگروه «تلفیق نتایج مطالعات نظری با پشتیبانی دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳۹۰.
۹. باغگلی، حسین، «مطالعه انتقادی «تربیت معنوی» در دنیای معاصر: مقایسه معنویت‌های دینی و نوپدید در عرصه تربیت»، رساله دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۲.
۱۰. باقری، اشرف سادات، ماهیت علوم انسانی و روش‌شناسی آن، مجله کنگره علوم انسانی، ۱۳۸۷.
۱۱. باقری، مصباح‌الهدی، کاظمی نجف‌آبادی، «تبیین الگوی رهبری قوم بنی‌اسرائیل به دست حضرت موسی (ع)»، پژوهشی قرآنی، اندیشه مدیریت راهبردی سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره پیاپی ۱۴، صص ۱۵۷-۱۸۸.

۱۲. حداد، عادل، **مبانی فلسفه علوم انسانی**، موسسه امام خمینی، دبیرخانه همایش مبانی فلسفی علوم انسانی، ۱۳۸۹.

۱۳. خوشدونی، مهدی، **معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب و ماهیت آن**، نشریه پیام، شماره ۱۳۳، ۱۳۹۸.

۱۴. میرزا پورارمکی، ابوالفضل، «**اهمیت و ضرورت تحول علوم انسانی و تولید علم دینی و راهکارهای تحقق آن**»، شماره ۴۹، علمی-ترویجی (وزارت علوم)، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.

ج) سایت‌ها

۱۵. بیانات مقام معظم رهبر در دیدار با اساتید و دانشگاهها، ۸/۶/۸۸.
<https://www.porseman.com/article>

۱۶. سایت پایگاه اطلاع رسانی حوزه، گذر از علوم انسانی غربی چرا و چگونه؟ ۱۳۹۷/۹/۲۸
<https://hawzah.net/fa/Discussion/View/56705>